

پیدایش وهابیت و برخی پیامدهای آن

<?xml encoding="UTF-8">

وهابیها مشرکند، زیرا می گویند: خداوند دارای جسم است در همه ادیان الهی - خصوصا اسلام - توحید مهمترین اصل است .

خداوند متعال، پیامبران را برانگیخت و سرلوحه دعوت آنان را تبلیغ یکتاپرستی و تبیین توحید قرارداد.

این اصل، در قرآن و سنت پیامبر (ص) به روشنی تبیین شده است و هر مسلمانی باید، توحید را از این منابع زلال بگیرد تا مل در اعتقادات و اندیشه های وهابیون نشان می دهد که آنان در این اصل اساسی به کلی از قرآن و سنت دور افتاده اند و خدا را با اوصافی که محکّمات قرآن و سنت معرفی می کند (2) ابن تیمیّه، رهبر وهابیها، در کتابهایش به این اعتقادات اعتراف نموده و به آیات متشابه قرآن و احادیثی مجعول متوسل گشته و از محکّمات قرآن و احادیث قطعی نبوی چشمپوشی کرده است .

او در اثبات عقایدش به این حدیث متوسل شده است که می گوید: خدا هر شب و یا آخر هر شب از عرش به زمین فرود می آید و صبح آن شب، به عرش برمی گردد (4) .

آنان به قدری به انحراف عقیده دچار گشته اند که حتی برای اثبات اعتقادات فرعون تمسک می جویند (به این صورت که می گویند: از آنجا که فرعون معتقد بود که خدای موسی در آسمان است و لذا به وزیرش هامان دستور داد چیزی برای بسازد تا بتواند به آسمان برود و خدای موسی را در آنجا ببیند. پس خدا در عرش است اگر کسی بگوید خدا همچون انسان است، یعنی محدود و محتاج به مکان است، به شهادت آیات محکّمات قرآن، کافر است .

جریری در کتاب خود به نام الفقه علی المذاهب الاربعه اعتقاد به جسمیت خداوند و آنچه را مستلزم اعتقاد به تجسم باشد موجب کفر و معتقد به آن را کافر و مشرک می داند البته عجیب این است که ابن تیمیه خودش می گوید: اعتقاد به اینکه خداوند جسم دارد موجب ارتداد نمی شود، زیرا قرآن و سنت و ائمه مذاهب نگفته اند که خداوند جسم نیست سرانجام همین نظرات (6) و داود را از سوی خود فضیلتی دادیم که ای کوهها و ای پرندگان با او هم آواز شوید و آهن را برایش نرم کردیم، که زرهای بلند بساز و در بافتن زره اندازه را نگهدار و کارهای شایسته کنید که من به کارهایتان بصیرم و باد را مسخر سلیمان کردیم، بامدادان يك ماهه راه می رفت و شبانگاه يك ماهه راه، و چشمه مس را برایش جاری ساختیم و گروهی از دیوها به فرمان پروردگارش برایش کار می کردند و هر که از آنان سر از فرمان ما می پیچید به او عذاب آتش سوزان را می چشاندیم برای او هر چه می خواست از بناهای بلند و تندیسها و کاسه هایی چون حوض و دیگهای مهم برجای می ساختند.

ای خاندان داود، برای سپاسگزاری کاری کنید و اندکی از بندگان من سپاسگزارند 2 - در سوره دیگری خداوند متعال درباره حضرت سلیمان می فرماید: (وحشر لسلیمان جنوده من الجن والانس والطیر فهم یوزعون) . (8) خداوند به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می آموزد.

و بر بنی اسرائیل وی را به رسالت می فرستد که : من با معجزه ای از پروردگارتان نزد شما آمده ام برایتان از گل

چیزی چون پرنده می سازم و در آن می دمم .

به اذن خدا پرنده ای شود.

و کور مادرزاد وبرص گرفته را شفا می دهم و به فرمان خدا مرده را زنده می کنم و به شما می گویم که چه خورده اید و در خانه های خود چه ذخیره کرده اید اگر از مؤمنان باشید اینها برای شما نشانه های حقانیت من است توسل مردم به حضرت عیسی بدین خاطر بود که عقیده داشتند خداوند به او قدرتی عطا فرموده که می تواند بیماران را شفا دهد یعنی او را پیامبر و بنده خالص خدا می دانستند و بخاطر همین عبودیت و بندگی است که آن حضرت به چنین علم و قدرتی از جانب خداوند دست یافت و البته که این شرك نیست , بلکه عین توحید است .

شرك آن است که این قدرت را از خود آن حضرت بدانیم و نه از خدا

علم انبیاء و اولیاء در قرآن و سنت خداوند متعال به برگزیدگان و بندگان خالص درگاه خود, غیر از قدرت به هر اندازه که بخواهد, علم و آگاهی هم عطا می کند.

نمونه هایی از این بندگان را که علم لدنی داشتند, قرآن شریف ذکر کرده است که به آنها و مواردی دیگر اشاره می کنیم 1 - مستثنی در آیه : (یعلم ما بین ایدیهم وما خلفهم ولا یحیطون بشیء من علمه الا بما شاء) . (10) او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچکس آشکار نمی سازد.

مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد 3 - (ذلك من انباء الغیب نوحیه الیک وما کنت لدیهم اذ اجمعوا امرهم وهم یمکرون) . (12) و در آنجا بنده ای از بندگان ما را که رحمت خویش را بر او ارزانی داشته بودیم و خوددو دانش آموخته بودیم , یافتند 5 - داود و سلیمان علم لدنی داشتند.

از جمله , زبان پرندگان , مورچگان , جنیان و... رامی دانستند: (ولقد آتینا داود و سلیمان علما و قالوا الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین # و ورث سلیمان داود و قال یا ایها الناس علمنا منطق الطیر و اوتینا من کل شیء ان هذا لهو الفضل المبین) . (14) فرشتگان گفتند: ای مریم , خدا تو را به کلمه خود بشارت می دهد, نام او مسیح , پسرمریم است , در دنیا و آخرت , آبرومند و از مقربان است . با مردم همچنان که در بزرگی در گهواره سخن می گوید و از شایستگان است .

مریم گفت : ای پروردگار من , چگونه مرا فرزندی باشد, در حالی که بشر به من دست نزده است .

گفت : بدین سان که خدا هرچه بخواهد می آفریند.

چون اراده چیزی کند به او گوید موجود شود, پس موجودی شود در روایت آمده است که به فاطمه زهراء نیز اخباری توسط ملائکه داده می شد و رسول خدا و علی بن ابی طالب نیز علم لدنی داشتند.

وقتی علی بن ابی طالب از حوادث آینده و آخرالزمان و حمله ترکان مغول و تاتار بر بلاد اسلامی و چگونگی این حمله خبرمی داد.

مردی کلبی از او سؤال کرد یا علی آیا تو علم غیب می دانی ؟ علی از سخن آن مرد به خنده افتاد و گفت : ای مرد کلبی , این علم غیب نیست , این علم از راه تعلیم و تعلم است لیس هو بعلم غیب وانما هو تعلم من ذی علم ... فعلم علمه الله نبیه فعلمنیه .

یعنی این اخبار از آینده را که من می گویم از اخباری است که خداوند به پیغمبرش تعلیم فرموده و پیغمبر خدا نیز آنها را به من آموخته و من آن آموخته پیغمبر خدا را برای شما بیان می کنم .

اخبار رسول خدا و علی بن ابی طالب راجع به آینده و آخرالزمان در کتب معتبره به اسناد صحیح به طور متواتر آمده است .

مثلا رسول خدا از حوادث بعد از خودش تا حوادث آخرالزمان و قیام مهدی خبر داده و علی بن ابی طالب نیز از روی کار آمدن بنی امیه و بنی مروان و قتل عام آنها توسط بنی عباس و از حوادث پس از انقراض بنی عباس تا قیام مهدی آل محمد خبر داده است

توسل و تبرک در قرآن و سنت یکی دیگر از عقاید مسلم اسلامی , که وهابیان آن را انکار می کنند, توسل است . مطابق عقیده این فرقه , توسل فرزندان یعقوب به آن حضرت برای استغفار در نزد خدا, توسل مسیحیان به حضرت عیسی برای شفای امراضشان , توسل بنی اسرائیل به موسی برای زنده شدن مقتول و معرفی قاتل و توسل هر شخصی یا امتی به پیغمبران و اولیاء شرك است (16) .
گفتند: ای پدر, برای گناهان ما آمرزش بخواه که ما خطاکار بوده ایم آنان در واقع آمرزش خود را از خدا می خواستند نه از حضرت یعقوب , و فقط در این کار, حضرت یعقوب را واسطه قرار داده بودند.
زیرا یعقوب پیش خدا آبرومند بود و خداوند دعای او را رد نمی کرد در پی آن توسل , حضرت یعقوب فرمود: (قال سوف استغفر لکم ربی انه هو الغفور الرحیم) . گفت : از پروردگارم برای شما آمرزش خواهم خواست .
او آمرزنده و مهربان است

توسل امت موسی به آن حضرت (واوحینا الی موسی اذ استسقاء قومه ان اضرب بعصاک الحجر فانجست منه اثنتا عشرة عینا ...) . (18) و چون قوم موسی از او آب خواستند به او وحی کردیم که عصایت را بر سنگ بزن , از آن سنگ , دوازده چشمه روان شد و هر گروه آبشخور خویش را شناخت .
افزون بر آنچه گذشت , در خصوص استشفاء و توسل به پیامبر (ص) روایات زیادی وجود دارد که صحابه رسول خدا در مهمترین مشکلاتشان به پیغمبر خدا متوسل می شدند, آب وضوی حضرت و نیز موی سر مبارکش را برای استشفاء با خود می بردند, و پیغمبر خدا هم این رفتار را تقریر و امضاء می فرمود.
و بلکه احیانا به شفا بودن آنها تصریح می نمود در اینجا برخی از این روایات و گزارشهای تاریخی را می آوریم : 1 - بخاری از انس بن مالک نقل کرده است که : در عهد رسول خدا (ص) مردم مدینه دچار خشکسالی شدند. در روز جمعه هنگامی که پیامبر خطبه می خواند, مردی برخاست و گفت : ای پیامبر خدا, کشتزارها و چارپایان ما در شرف هلاکتند از خدا بخواه که ما را سیراب گرداند, پیامبر (ص) دست خود را به سوی آسمان بلند کرد و دعا فرمود: انس می گوید: بقدری باران بارید که آب بر منازل ما هم جاری شد, جمعه دیگر همان مرد برخاست , و گفت : یا رسول الله خانه های ما در حال ویران شدن است , از خدا بخواه که باران بایستد. پیامبر (ص) نگاهی به آسمان کرد, باران قطع شد و بر اطراف مدینه بارید (20) .
هنگامی که قحطی و خشکسالی پدید می آمد, عمر به عباس عموی پیامبر (ص) متوسل می شد تا او دعا کند و باران بیاید و عباس دعا کرد و باران زیادی آمد.

3 - صحیح بخاری ذیل باب کنیة النبی (ص) از جعید بن عبد الرحمن روایت می کند که دیدم سائب بین یزید را در سن 94 سالگی همچون جوانی معتدل پس او به من گفت این قدرت جوانی وقوت چشم و گوش را از دعای رسول اکرم دارم , زیرا من در کودکی مریض شدم خاله ام مرا پیش پیغمبر خدا برد و از آن حضرت خواست برای

من دعا کند و دعا کرد.

4 - صحیح مسلم در جلد هفتم در باب قرب النبی (ص) بالناس و تبرکهم به , از انس بن مالک روایت می کند که ام سلیم وقتی رسول الله در خانه او استراحت می کردند, عرق بدن آن حضرت را جمع می کرد برای استشفاء و تبرک جستن برای شفای کودکان, حضرت رسول وقتی بیدار شد فرمود: کار صحیحی می کنی .
(در مسند احمد از انس , ج 3, ص 226) . 5 - در کتاب تاریخ مدینه آمده است : در هنگام دفن مادر علی (ع) , پیامبر (ص) لحظه ای در قبر خوابید و پیراهن خود را هم از تن درآورد و امر فرمود که زیر صورت او بگذارید .
وقتی که از ایشان علت این کار را پرسیدند, فرمودند که پیراهن را به این خاطر گذاشتم که - اگر خدا بخواهد - آتش به او نرسد.

اما خوابیدنم در قبر به این منظور بود که خداوند قبر او را وسیع گرداند.

6 - صحیح مسلم در جلد هفتم در باب قرب النبی (ص) بالناس و تبرکهم به , از انس بن مالک نقل می کند که کارگران مدینه هر صبح با جامههایی از آب می آمدند تا رسول خدا با فروبردن دست در آنها آن آبها را تبرک کند و حضرت چنین می کرد حتی در روزهای بسیار سرد.
(در مسند احمد, ج 3, ص 137) . 7 - صحیح مسلم در جلد هفتم در باب قرب النبی (ص) بالناس و تبرکهم به , از انس بن مالک روایت می کند که دیدم سلمانی سر رسول خدا را می تراشید و هر موی آن حضرت در دست یکی از صحابه بود که بدان تبرک می جست .

(در مسند احمد, ج 3, ص 137) . 8 - در صحیح بخاری در کتاب لباس در باب القبة الحمراء من ادم , روایت می کند که ابو جحیفه می گوید رفتم پیش رسول خدا در قبه حمراء ادم و دیدم که بلال آب وضوی پیغمبر را بیرون آورد و مردم برای گرفتن قطره های آن با هم مسابقه می گذارند تا به آنها تبرک جویند.

نکته دیگر اینکه : فضایل انبیاء, همچون شفا دادن عیسی , که در آیات صریح قرآن و سنت صحیح نبوی بیان شدن , غیر قابل انکار است و اگر فرد وهابی از روی عمد و آگاهی آنها را انکار کند مرتد می گردد و زن او خودبخود جدا شده و باید عده وفات نگهدارد, مگر آنکه انکارش از روی جهل و نادانی باشد که نوع عوام آنها چنین هستند.

تبرک به پیراهن یوسف (اذهبوا بقمیصی هذا فالقوه علی وجه ابی یات بصیرا) . این جامه مرا ببرید و بر روی پدرم اندازید تا بینا گردد.

و همه کسان خود را نزد من بیاورید.

چون کاروان به راه افتاد پدرشان گفت : اگر مرا دیوانه نخوانید بوی یوسف می شنوم گفتند: به خدا سوگند که تو در همان ضلالت دیرینه خویش هستی , چون مژده دهنده آمد و جامه بر روی او انداخت بینا گشت .

وهابیها همچون مادیون منکر روح ابن تیمیه و پیروانش , همچون مادیون , مردن را معدوم شدن می دانند و به گفته قرآن و سنت به اینکه ارواح مردگان از زنده گان شنواترند و رسول خدا با ارواح مردگان حرف می زند, و شهداء سلام زائرین را می شنوند و جواب آنها می دهند, و... اعتقادی ندارند الف - مسلمانان طبق احادیث صحیح نبوی در آخر نماز از راه دور و نزدیک خطاب به رسول الله سلام می کنند و در هر کجای جهان که باشند می گویند:
السلام علیک ایها النبی ورحمة الله وبرکاته .

و در احادیث نبوی است که سلام شما به من می رسد و من جواب شما را می دهم ب - در احادیث دیگری

هم آمده است که رسول خدا (ص) اهل قبور بقیع را همچون زندگان مورد خطاب قرار می داد و با آنان سخن می گفت که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می کنیم : 1 - حدثنا هودة بن خليفة قال : حدثنا عوف عن الحسن ان النبي (ص) قام على اهل البقيع فقال : السلام عليكم يا اهل القبور من المؤمنين والمسلمين , لو تعلمون ما نجاكم الله منه مما هو كائن بعدكم , ثم نظر الى اصحابه فقال هؤلاء خير منكم (22) .

3 - و نیز رسول خدا (ص) می فرماید: ان الميت يعرف من يحمله ومن يغسله ومن يدليه في قبره . میت می شناسد کسی که او را حمل می کند, کسی که او را غسل می دهد و کسی که او را رادر قبرش می گذارد (24) هنگامی که فردی را در قبر می گزارند و بستگانش می روند, او حتی صدای به زمین خوردن کفشهایشان را می شنود 7 - در صحیح بخاری آمده است که پیغمبر خدا در پایان جنگ بدر کشته شدگان مشرکان را با این آیه صدا می زد: (ونادی اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا ...) . اصحاب گفتند: یا رسول الله مردگان را صدا می زنی ؟ پیغمبرفرمود: شما از آنها شنواتر نیستید ولی نمی توانید جواب بدهند (26) .

11 - دارمی در کتاب صحیح خود باب ما اكرم الله نبيه بعد موته از ابوالجوزاء روایت کرده است که اهل مدینه دچار قحطی شدیدی شدند و به عایشه شکایت کردند.

عایشه گفت : نگاه به قبر پیغمبر کنید و طوری آن را وسیله قرار دهید که میان آن وآسمان سقفی نباشد, آنها چنین کردند و باران آمد و علف رویید در پایان این بحث , بعضی از عبارات زیارت پیامبر (ص) را به روایت فاکهی و دیگران ذکر می کنیم : 1 - وآته نهاية ما ينبغي ان يساله السائلون 2 - در زیارت مجمع الازهر آمده است که : واتوسل بك الى الله تعالى في ان اموت مسلما على ملتك وسنتك 3 - و در زیارت دیگری که شرنبلالی حنفی در المراقی آورده , آمده است که : وجئنا من بلاد شاسعة وامكنة بعيدة بقصد زيارتك لنفوز بشفاعتك ... فاشفع لنا الى ربك واساله ان يميئتنا على سنتك ... الشفاعة الشفاعة يا رسول الله .

4 - احسن ما يقول : نحن وفدك يا رسول الله , زوارك جنناك لقضاء حقك , وللتبرك بزيارتك , والاستشفاع بك مما اثقل ظهورنا واظلم قلوبنا.

5 - قسطلانی در المواهب اللدنیه آورده است که : وينبغي للزائر له (ص) ان يكثر من الدعاء والتضرع والاستغاثه والتشفع والتوسل به (ص) , وجدير بمن استشفع له ان يشفعه الله فيه .

6 - زقانی در کتاب شرح المواهب می گوید که : وليتوسل به صلى الله عليه , ويسال الله تعالى بجاهه في التوسل به .

صحابه اولین بانیان حرم رسول خدا (ص) وقتی رسول خدا (ص) از دنیا رفت , صحابه طبق وصیت خود ایشان که فرموده بود:هر پیغمبری در همان جایی که از دنیا می رود دفن می شود پیغمبر خدا (ص) را در زیر سقف همان اتاق دفن کردند و به قبرستان بقیع , که قبرستان عمومی مسلمانان بود,نبردند صحابه رسول خدا (ص) به روایت قاسم بن محمد بن ابی بکر و روایات دیگر به احترام قبر پیغمبر خدا (ص) , میان اتاق , دیواری ساختند تا آن نصف اتاق که قبر پیغمبر خدادار آن است به چهار دیواری محفوظ گردد و حرمی مستقل برای مزار رسول الله (ص) شود و لذا می توان گفت : صحابه رسول خدا اولین کسانی بودند که اقدام به بناء برای حریم مزار قبر رسول خدا کردند سپس عمر بن الخطاب برای آن خانه , دیواری ایجاد کرد که سایر صحابه آن دیوار را بزرگتر و بلندتر کردند و سپس بنی امیه و بنی عباس و... پس می توان گفت بانی ساختمان حریم قبر رسول خدا در مرحله اول , خود آن حضرت بود که چنین وصیتی کرد که در اتاق خودش دفن شود و بعد صحابه بودند که به بناء

آن افزودند قاسم پسر محمد بن ابی بکر، یعنی برادرزاده عایشه، روایت می کند که من بر عایشه وارد شدم، گفتم: از شما می خواهم پوششی را که بر روی قبر رسول خدا و شیخین است، برداری تا قبرها را ببینم. عایشه آن پوشش را برداشت و من سه قبر را دیدم که در کنار هم قرار دارند. نه از زمین بسیار بلندند که مشرف باشند و نه با زمین یکنواخت هستند که زیر پا روند. همچنین مشاهده کردم که قبرها با سنگ و گل قرمزینت شده بودند (28) و منظور از مشرف بودن قبر باملاحظه روایات قبر پیغمبر و معنی اشراف و روایات قاسم بن ابی بکر و بعض زوجات پیغمبر (ص) بر اینکه قبر پیغمبر خدا مشرف نبوده در نتیجه آن اتاق مسجد نگردد. این است که روی قبر را همچون ستونی بالا نبرند که مشرف گردد، اما اینکه مقدار کمی از زمین بلندتر باشد که پایمال نشود و نیز از اینکه قبر در اتاق باشد نهی نشده است در طبقات ابن سعد آمده است: در زمان رسول الله خانه آن حضرت دیواری نداشت. اولین کسی که برای آن خانه، که قبر آن حضرت در اتاقی از آن بود دیوار بنا کرد، عمر بن خطاب بین سالهای 13 - 23 بود عبيدالله بن ابی زیاد می گوید: خانه پیامبر، دیوار کوتاهی داشت سپس عبدالله بن زبیر آن دیوار را بالاتر برد و بر آن افزود (30).

سقف و حرم سازی برای مزار ام حبیبه زوجه رسول خدا توسط صحابه هنگامی که عقیل بن ابی طالب در خانه اش چاهی حفر می کرد به سنگی برخورد که بر روی آن نوشته بود: قبر ام حبیبه بنت صخر بن حرب پس عقیل آن چاله را پر کرد و بر روی آن اتاقی بنا کرد. یزید بن سائب می گوید: من بر آن خانه داخل شدم و آن قبر را در آنجا دیدم (32). ابن جماعه می گوید: در اینکه قبر فاطمه کجاست، دو نظر وجود دارد: یکی اینکه فاطمه در منزل خودش، دفن شده است و نظر دوم اینکه در بقیع و در همان مسجدی که منسوب به ایشان است و در نزدیکی قبه عباس عموی پیامبر، مدفون است (34). محب طبری، محدث حجاز می گوید: حسن بن علی در کنار مادرش (مادر بزرگش) فاطمه، دفن شد و قبر این دو در قبه عباس است (36). غزالی نیز محل و قبه عباس و شکل آنها را همین گونه توصیف کرده است. - شیخین نیز در زیر سقف دفن شدند. و حسن بن علی نیز وصیت کرد در کنار قبر رسول خدا (که زیر سقف بود) دفن شود. - هارون الرشید نیز در خانه ای که مرد دفن شد یا آن خانه را مامون برای او ساخت که اکنون معروف به مزار علی بن موسی الرضا است. قبه ذوی القربی در زمان بنی عباس بدست خلفاء و زیر آنها تعمیر شد.

وهابیها زائران قبر رسول خدا را کافر می دانند با آنکه رسول خدا به زیارت قبور مؤمنین امر کرده و سیره رسول خدا بر زیارت قبور بوده است چه رسد به زیارت قبر رسول خدا که بالاترین مؤمن است و بهترین مصداق امر زیارت قبور است چنانچه پیامبر خدا به زیارت قبور فرمود *فزوروا القبور - وزوروا مسلم* در باب اضاحی آنرا نقل می کند و نیز ترمذی و نسائی و ابن ماجه و ابن داود در ابواب جنائز و در سنن خود آنرا نقل می کند و احمد در

مسندش و نیز دیگران ... و لذا حجاج بیت الله الحرام پس از اداء حج مکه و مسجدالحرام را که نماز درمسجدالحرام بالاترین ثواب نماز در مساجد را دارد آن را برای زیارت قبر رسول خدا ترك می کنند تا به ثواب زیارت عظیم قبر رسول الله نایل شوند و این سیره خلفاء و صالحین از سلف بوده تا حال ادامه دارد و تنها ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب ازمؤسسين وهابيت در کتابهایشان و اینك هم ابن باز در کتابش بنام التحقيق و الايضاح صفحه 69 با سفر به قصد زیارت رسول الله مخالفت کرده اند و زوار قبر رسول الله را جاهل و کفار می دانند، کتاب الرد على الاخوانی لابن تیمية : لا يقصد الى القبر (قبر النبي - ص -) الا جاهل او كافر.

عدم مشروعیت حکومت وهابیه احادیث بسیاری از پیامبر گرامی اسلام (ص) وارد شده است که حکومت از آن قریش است ، این احادیث را منابع حدیثی اهل سنت آورده اند.

همچنین مطالبی در این زمینه از ابوبکر و دیگران وارد شده است که ما برخی از آنها را در ذیل می آوریم : 1 - از رسول خدا (ص) روایت شده است : لا يزال هذا الامر في قریش ما بقي منهم اثنان (38) .

امر خلافت از آن قریش است ، حتی اگر از مردم دو نفر باقی بماند یعنی تا قیامت است .

3 - همچنین از ابوبکر نقل شده است که در روز سقیفه می گفت : نحن امراء وانتم الوزراء (40) .

عرب حکومت را از آن قریش می داند.

5 - از رسول خدا (ص) روایت شده است : الائمة من قریش : ان لهم عليكم حقا، ولكم عليهم حق مثل ذلك ،

ما ان استرحموا فرحموا، وان عاهدوا وفوا، وان حكموا عدلوا.

فمن لم يفعل ذلك منهم فعليه لعنة الله والملائكة والناس اجمعين (42) .

7 - يكون بعدي اثنا عشر اميرا ... كلهم من قریش